



Criminalization of Not Reporting Terrorism Financing as an Instance of Criminal Apathy

Jafar Movahedi

Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Sabashahr
Branch, Sabashahr, Iran (Corresponding Author)

Naser Rezvani Jouybari

PhD in Criminal Law and Criminology and University Lecturer

جرم انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم مصادقی از بی تفاوتی کیفری

جعفر موحدی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صبا شهر، صبا شهر، ایران (نویسنده مسئول)
dr. j. movahedi@gmail.com

ناصر رضوانی جویباری

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه
naserrezvani9@gmail.com

Abstract

Terrorism is a cross-border crime that can be prevented by identifying and controlling its financing of a large part of terrorist acts. In order to deal with this phenomenon, it should be a public duty to announce and inform about the financing of terrorism. Indifference to such a phenomenon and refusal to take the necessary action to prevent the commission of the crime, while facilitating its occurrence and not assisting the criminal justice system in detecting the crime and prosecuting terrorists, will cause irreparable damage. Given the importance of the issue, legislators at the national level have tried to take an important step in combating terrorism by refusing to report the financing of terrorism as one of the examples of criminal apathy. The present study uses a descriptive-analytical method to explain that the Iranian legislature, although in the face of indifference to the financing of terrorism, has correctly kept pace with developments in criminal law around the world, but this with drawbacks such as; Failure to determine the exact location of the reports, failure to approve an article to encourage citizens to report or support the reporting persons and their families, failure to determine the exact, fixed and appropriate punishment for those who refuse to report, etc. Be. In this study, while explaining the problems and comparative study with the laws of other countries, including the United Kingdom and the United States, attempts have been made to make suggestions to solve them.

Keywords: Criminal Apathy, Terrorism Financing, Criminalization, Reporting Crime, Criminal Justice.

چکیده

تروریسم یک جرم فرامرزی است که با شناسایی و کنترل تأمین مالی آن می‌توان بخش عظیمی از اقدامات تروریستی را پیشگیری کرد. برای مقابله مطلوب با این پدیده، باید اعلام و اطلاع‌رسانی موارد تأمین مالی تروریسم به صورت تکلیف همگانی در آید. بی‌تفاوتی در قبال چنین پدیده‌ای و خودداری از اقدام لازم برای جلوگیری از ارتکاب جرم مذکور، ضمن تسهیل وقوع آن و عدم یاری رساندن به دستگاه عدالت کیفری در کشف جرم و تعقیب تروریست‌ها، موجب ورود خسارات جبران‌ناپذیر می‌گردد. با توجه به اهمیت موضوع، قانونگذاران در سطح کشورها سعی نموده‌اند با جرم‌انگاری خودداری از گزارش‌دهی تأمین مالی تروریسم به عنوان یکی از مصادیق بی‌تفاوتی کیفری، گام مهمی در راستای مبارزه با آن بردارند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی تبیین می‌نماید که قانونگذار ایران اگرچه در مقابله با بی‌تفاوتی نسبت به تأمین مالی تروریسم به درستی همگام با تحولات حقوق کیفری دنیا شده است اما این امر با ایراداتی از جمله؛ عدم تعیین دقیق محل دریافت گزارش‌ها، عدم تصویب ماده‌ای جهت تشویق شهروندان به گزارش دهی و یا حمایت از افراد گزارش دهنده و خانواده آن‌ها، عدم تعیین مجازات دقیق، ثابت و متناسب نسبت به افراد خودداری‌کننده از گزارش و غیره، همراه می‌باشد. در این پژوهش ضمن تبیین ایرادات و مطالعه تطبیقی با قوانین سایر کشورها از جمله انگلستان و آمریکا، سعی شده است پیشنهاداتی در جهت رفع آن‌ها داده شود.

واژگان کلیدی: بی‌تفاوتی کیفری، تأمین مالی تروریسم، جرم‌انگاری، گزارش دهی جرم، عدالت کیفری.

Received: 2022/05/04 - Review: 2022/07/21 - Accepted: 2022/08/30

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

ارجاع:

موحدی، جعفر؛ رضوانی جویباری، ناصر؛ (۱۴۰۱)، جرم‌انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم مصداقی از بی‌تفاوتی کیفری، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

امروزه تروریسم بزرگ‌ترین خطر برای صلح و امنیت ملی و بین‌المللی شمرده شده و مقابله با تروریسم یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه جهانی است. از این‌رو، راهکارهای مختلف سیاسی، نظامی و حقوقی در این زمینه طراحی و اجرا می‌شود. یکی از راهکارهای مورد توجه که در اسناد بین‌المللی جلوه زیادی پیدا کرده، مقابله با تأمین مالی تروریسم^۱ از طریق جرم‌انگاری آن توسط کشورها است. به اعتقاد جامعه جهانی تأمین مالی تروریسم به مثابه خون‌رسانی به شاه‌رگ این پدیده بوده که با شناسایی و کنترل آن می‌توان جلوی بخش عظیمی از اقدامات تروریستی را گرفت (چاووشی و کرامتی معز، ۱۳۹۷، ۱۰۹). به این منظور کشورها خواه به طور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه و تنظیم مقرراتی در این راستا نموده‌اند (سمیعی اصفهانی و بهرامی، ۱۳۹۴، ۱۰۷). در بیشتر اسناد بین‌المللی این عنوان همراه با پول‌شویی مورد بحث قرار می‌گیرد چرا که به اعتقاد صاحب نظران، شباهت زیادی بین این دو عنوان وجود دارد (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴، ۲۵۸).

با توجه به جهانی شدن برخی از جرائم تروریستی، جرائم سازمان یافته فراملی و باندهای تبهکاری که نه فقط امنیت داخلی بلکه امنیت بین‌المللی را نیز به مخاطره می‌اندازد، توسل به کمک شهروندان و استفاده از اطلاعاتی که فقط برخی از آنان به مناسبت شغل یا موقعیت خاص خود در اختیار دارند، لازم و ضروری بوده و به کشف و تعقیب جرم و مجازات مرتکبین کمک می‌نماید (مهدی پور مقدم و شاملو، ۱۳۹۶،

۲۷۶). از این رو، با توجه به تبعات و آثار تروریسم برای جامعه جهانی و بشریت لازم است همه آحاد جامعه با احساس مسئولیت در قبال آن رفتار نموده و با خودداری از بی تفاوتی، اقدام به گزارش دهی اقدامات و اعمال مرتبط با تأمین مالی تروریسم نمایند و دستگاه عدالت کیفری را در مبارزه با تأمین مالی تروریسم در مراحل پیشگیری، کشف، تعقیب و مجازات مداخله کنندگان در جرایم تروریستی یاری رسانند.

تعریف تأمین مالی تروریسم عبارت است از؛ تهیه و جمع آوری وجوه و اموال به هر طریق برای افراد تروریست و سازمان‌های تروریستی. در ماده^۱ یک قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، اعمال متعددی که می‌توانند تهیه و جمع آوری وجوه برای تروریسم تلقی گردند، احصاء شدند. لازم به ذکر است اعمال مذکور در آن ماده، حصری نبوده و تنها جنبه تمثیلی دارند و بنابراین، هر عمل دیگری که بتواند منجر به رسیدن منابع مالی به تروریست‌ها شوند، تأمین مالی تروریسم محسوب می‌گردند. در ادامه قانون مذکور، قانونگذار با توجه به اهمیت موضوع، کلیه اشخاص مطلع از جرایم مربوط به تأمین مالی تروریسم را مکلف نموده است تا آن را در اسرع وقت به مقامات ذیصلاح اعلام نمایند و در صورت بی تفاوتی و خودداری از گزارش دهی آن با ضمانت اجرای کیفری و مجازات مواجه گردند. به عبارتی، قانونگذار با جرم‌انگاری خودداری از گزارش دهی به عنوان مصداقی از بی تفاوتی کیفری^۲، سعی نموده با پدیده مذکور مقابله نماید.

۲- ماده ۱: تهیه یا جمع آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار با انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود. علاوه بر گروه‌های تروریستی و افراد تروریست، تشخیص تروریستی بودن اعمال مندرج در بندهای ذیل بر عهده شورای عالی امنیت ملی است: الف - ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت آمیز از قبیل قتل، سوءقصد، اقدام خشونت آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگان گیری اشخاص و یا اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی.

۳- از موارد دیگر بی تفاوتی کیفری که در نظام‌های حقوقی دنیا جرم‌انگاری شده‌اند می‌توان از خودداری از کمک و نجات افراد در معرض خطر، خودداری از وقوع جرایم مهم و خودداری از ادای شهادت جهت رهایی انسان بی‌گناه نام برد (ادیب، ۱۳۹۳، ۱۳۹) و (Hofman, 1984, 29).

از منظر علوم اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی^۴ به معنای بی‌علاقگی، دلمردگی، بی‌عاطفگی و بی‌احساسی، حالتی است که فرد به طور آگاهانه نسبت به مسائل محیطی، انسانی و هیجانی حیات اجتماعی خود، دچار بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی می‌گردد. به عبارتی، بی‌تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که افراد آگاهانه از لحاظ نگرشی و رفتاری نسبت به مشارکت‌های نوع دوستانه، مسئولیت اجتماعی و دیگر کنش‌های فعال مدنی، بی‌علاقه و بی‌اعتنا می‌شوند (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴، ۵۵). از منظر علوم جنایی بی‌تفاوتی کیفری عبارت است از؛ خودداری عمدی از اقدام لازم قانونی که در نتیجه عدم توجه به برخی ارزش‌های اجتماعی نقض شده که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. به عبارت دیگر، در حقوق کیفری از رفتارهای عمدی ناشی از بی‌تفاوتی که در قانون جزا جرم‌انگاری شده‌اند، صحبت می‌شود (رضوانی جویباری و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۱۶-۱۱۵).

لازم به ذکر است که تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی اغلب در قوانین و مقررات از جمله در قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷ به صورت مرتبط آمده است، در حالی که از نظر تحلیل حقوقی این دو مفهوم متضاد می‌باشند. در واقع، پول‌شویی فرآیندی است که صورت می‌گیرد تا پول به دست آمده از فعالیت‌های مجرمانه با ظاهری قانونی وارد سیستم مالی گردد اما در تأمین مالی تروریسم به منابع تأمین‌کننده پول اهمیتی داده نمی‌شود، بلکه به این امر که پول‌های حاصله اعم از مشروع یا غیرمشروع صرف چه کاری می‌شوند، توجه می‌شود. مبارزه با تأمین مالی تروریسم پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ دولت آمریکا را وادار به تصویب لایحه قانونی میهن دوستی آمریکا موسوم به قانون پاتریوت آمریکا^۵ و نیز لایحه‌های قانونی مشابه در سایر کشورها در سرتاسر جهان نمود که تأکید بسیاری بر مبارزه با تأمین مالی تروریسم دارند. در ایران، در سال ۱۳۹۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به تصویب رسید و در سال ۱۳۹۷ با اصلاح قانون مذکور، تحت عنوان قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

این مقاله در پی پاسخ به سوالاتی است؛ آیا خودداری از گزارش‌دهی جرم در قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷ جرم‌انگاری شده یا خیر؟ بر فرض جرم بودن آن، آیا عموم مردم به اعلام آن به مقامات ذیصلاح تکلیف دارند و یا تنها افراد خاصی این مسئولیت را بر عهده دارند؟ و

4- Social Apathy

5- The USA Patriot Act

آیا قانون مذکور در این خصوص به صورت مطلوب و کامل وضع گردیده است و یا دارای ایراد و اشکال می‌باشد؟ در پاسخ به این سوالات و به منظور نقد و بررسی بی تفاوتی کیفری در حوزه تأمین مالی تروریسم، نگارندگان سعی نموده‌اند با استفاده از روش تحلیلی و کتابخانه‌ای و استفاده از کتب و مقالات متعدد داخلی و خارجی، ضمن بررسی مبانی جرم‌انگاری بزه مذکور و بیان ارکان و اجزای تشکیل دهنده آن، به سوالات فوق پاسخ داده و نواقص و ایرادات احتمالی آن را بیان نمایند.

۱- مبانی جرم‌انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم

جرم‌انگاری فرآیندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت‌اجرای کیفری وضع می‌کند (خوئینی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱). به عبارت دیگر، جرم‌انگاری تصمیم مرجع صلاحیت‌دار برای ممنوعیت یا الزام به انجام یا عدم انجام رفتار همراه با ضمانت‌اجرای کیفری است (قماشی، ۱۳۹۳، ۸۲). اتخاذ تصمیم در مورد جرم‌انگاری رفتاری نیاز به مراجعه به واقعیات اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی هر جامعه خاص دارد. به عبارت دیگر، جرم‌انگاری رفتاری بر اساس پاره‌ای از اصول و مبانی صورت می‌گیرد و قانونگذار با در نظر گرفتن آن‌ها تشخیص می‌دهد رفتار مذکور را جرم‌انگاری نماید.

در خصوص ضرورت یا عدم ضرورت برخورد کیفری با جرایم مبتنی بر ترک فعل از جمله خودداری از اعلام و گزارش‌دهی جرم که متضمن نوعی بی تفاوتی می‌باشد، موافقان و مخالفان هر یک به دلایلی استناد می‌نمایند که از جمله دلایل مخالفان جرم‌انگاری می‌توان به مداخله در حقوق و آزادی‌های فردی و تجاوز به حریم خصوصی و نیز اشکالات عملی آن اشاره نمود (کلارکسون، ۱۳۹۵، ۸۰). به عبارت دیگر، با جرم‌انگاری چنین مواردی، یک وظیفه اخلاقی به یک وظیفه قانونی تبدیل می‌شود و نمی‌توان حقوق و آزادی‌های افراد را در قبال یک وظیفه اخلاقی محدود کرد. به علاوه، اشکالات عملی هم مزید بر علت می‌باشد. به گونه‌ای که در عمل آیا همه افرادی که از وقوع یک جرم مهم یا تأمین مالی تروریسم مطلع شده‌اند، مکلف به اعلام و گزارش آن می‌باشند؟ با توجه به گسترش رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی که اخبار و اطلاعات در یک لحظه به اطلاع کاربران و مشترکان آن می‌رسد و یا به صورت زنده تصویر و فیلم مربوط به اقدام مجرمانه از سوی شبکه اجتماعی در حال پخش باشد و هزاران بیننده آن را مشاهده کرده باشند، آیا همه آن‌ها مکلف به اعلام آن به مقامات ذیصلاح می‌باشند و در صورت عدم اعلام تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند؟ هرچند به نظر می‌رسد ایراد مربوط

به اشکالات عملی قضیه تا حدودی وارد می‌باشد و با توجه به امکانات محدود دستگاه عدالت کیفری جهت کشف، تغییر و مجازات همه افراد عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد مع الوصف موافقان جرم‌انگاری در پاسخ به اعتراضات مذکور استدلال می‌کنند که اگر یک وظیفه عام برای اقدام وجود داشته باشد، محدود به ضابطه «متعارف و معقول بودن» خواهد بود. به عبارت دیگر، از افراد انتظار رفتار در حد متعارف و نیز در حد توان آن‌ها می‌رود و چیزی بیش از آن مورد انتظار نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷، ۳۰).

از نظر اخلاقی، همانگونه که انجام کاری در جایی که انسان متعارف بدان عمل نمی‌کند، تقصیر است، ترک فعلی که انسان متعارف معمولاً انجام می‌دهد نیز، تقصیر محسوب می‌شود و به لحاظ حقوقی ایجاد مسئولیت می‌کند (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۳، ۱۲۱). بی‌تفاوتی افراد و خودداری آن‌ها از گزارش و اعلام جرایم مهم و خطرناک از جمله تأمین مالی تروریسم به مقامات ذیصلاح، از نظر اخلاقی قابل سرزنش و مذموم است. به علاوه، یکی از اهداف حقوق جزا، ترغیب مردم به رفتارهای اجتماعی مقبول و گسترش حس تعاون و احساس مسئولیت در قبال ممنوع و جامعه است. همکاری و مشارکت در حفظ امنیت و نظم اجتماعی دارای آثار مطلوب برای جامعه بوده و به انسجام اجتماعی می‌انجامد و جرم‌انگاری آن‌ها این ارزش نمادین را خواهد داشت که بر اهمیتی که باید به ارزش حیات بشری و سلامت جسمانی افراد و حفظ نظم عمومی جامعه داده شود، تأکید بسیار می‌کند (کلارکسون، ۱۳۹۱، ۷۹-۸۱).

به طور کلی می‌توان گفت دلایل موافقان جرم‌انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم بر اصول و مبانی متعدد استوار است که در این قسمت به طور خلاصه بیان می‌گردد.

۱-۱- اصول و مبانی توجیه‌کننده جرم‌انگاری خودداری از گزارش‌دهی

جرم‌انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم بر پایه اصول و مبانی متعددی از جمله اصل ضرورت، اصل ضرر، اصل اخلاق‌گرایی قانونی، اصل پدرسالاری قانونی، اصل کمال‌گرایی و اصل مصلحت عمومی استوار است. همچنین جرم‌انگاری آن بر مبنای مدل جرم‌انگاری پالایش جانانان شنشک نیز توجیه می‌گردد که در ادامه بیان می‌گردد.

۱-۱-۱- اصل ضرورت

منظور از اصل مذکور به طور اجمالی آن است که رفتارها فاقد عنوان مجرمانه می‌باشند، مگر در جایی که ضرورتی ایجاب نماید که یک رفتار به عنوان جرم تلقی گردد. به عبارت دیگر، قانون جزا باید به عنوان

سلاح نهایی در مبارزه با جرم و جنایت قرار گیرد و به عنوان سلاح اصلی در شکست جرم نمی‌باشد (معظمی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۸۶). با توجه به اهمیت جرایم تروریستی و آثار مخرب آن بر امنیت جامعه و افراد و نیز خطرات بسیار آن برای نظم جهانی و بین‌الملل، جرم‌انگاری جرایم مذکور و نیز هر گونه اقدام و رفتار مربوط به کمک و مساعدت به آن‌ها از جمله تأمین مالی تروریسم و خودداری از جلوگیری از وقوع جرایم مذکور، لازم و ضروری است.

۲-۱-۱- اصل ضرر (آسیب)^۶

مهم‌ترین معیار برای جرم‌انگاری رفتارها و توجیه مداخله کیفری دولت اصل ضرر می‌باشد. این اصل مداخله دولت را صرفاً برای پیشگیری از ایراد ضرر به دیگران و جامعه مجاز می‌شمارد (محمودی جانکی، ۱۳۹۳، ۸۴) و (Duff and Green, 2005, 193). به عبارت دیگر، منظور از اصل ضرر این است که جامعه و دولت در جایی که با مداخله خود می‌توانند جلوی آسیب و ورود ضرر به دیگران را بگیرند؛ می‌توانند در امور شخصی و زندگی مردم دخالت کنند. همانطوری که ضرر رساندن مستقیم به فرد یا جامعه مشمول مداخله کیفری و اعمال محدودیت می‌گردد، در جایی که افراد توانایی جلوگیری از ضرر و آسیب را دارند ولی اقدامی به عمل نمی‌آورند، نیز در برخی از موارد، می‌تواند مشمول مداخله کیفری گردد. بنابر اصل مذکور، خودداری از جلوگیری از وقوع جرایم مهم از جمله جرایم تروریستی و نیز عدم گزارش‌دهی تأمین مالی تروریسم می‌تواند موجب ضرر جبران‌ناپذیری به امنیت جامعه و مردم گردد و از این نظر، جامعه و دولت باید مداخله نموده و با جرم‌انگاری ترک فعل‌های مذکور جلوی آسیب و ورود ضرر به امنیت و نظم عمومی جامعه را بگیرد.

۳-۱-۱- اصل اخلاق‌گرایی^۷ قانونی

مبنای دیگری که موجب می‌شود طبق آن به توجیه جرم‌انگاری عدم گزارش‌دهی تأمین مالی تروریسم پرداخت، اصل اخلاق‌گرایی قانونی است. بر اساس اصل مذکور، ایجاد اخلال در آرامش و امنیت عمومی، در نقض قواعد اخلاقی و عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی تجلی پیدا می‌کند. بر این اساس، عملی را باید جرم دانست که مرتکب آن اخلاقاً سزاوار سرزنش باشد. این دیدگاه مبتنی بر این فرض

6- The Harn of Principle

7- The Principle of Ethicism

است که سرزنش شخص منوط به قبیح دانستن رفتار او می‌باشد و مرجع تشخیص این قبح، ممکن است عقل یا عرف یا دین باشد. جایگاه و اهمیت اخلاق در زندگی اجتماعی تا بدان جاست که حتی عمل کردن به قوانین و مقررات اجتماعی نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست (حیدری، ۱۳۹۶، ۱۱۳). بنابراین رفتارهای مغایر با اخلاق عمومی خصوصاً در مواردی که موجب اختلال در نظم عمومی و اجتماعی می‌گردند، لازم است با مداخله کیفری همراه باشد.

کمک و مساعدت به جرایم تروریستی از طریق تأمین مالی که نظم و امنیت اجتماعی را شدیداً مختل می‌سازد؛ امری قبیح و غیراخلاقی است. بنابراین لازم است افراد تمام تلاش و کوشش خود را در جهت جلوگیری از آن به کار گیرند و از این نظر، عدم گزارش تأمین مالی تروریسم به مقامات ذیصلاح از نظر اخلاقی امری نکوهیده و قابل سرزنش بوده و لازم است جرم‌انگاری گردد.

۴-۱-۱- اصل پدرسالاری قانونی^۸

از دیگر اصول توجیه‌کننده مداخله کیفری در قبال عدم گزارش‌دهی تأمین مالی تروریسم، اصل پدرسالاری قانونی است. مطابق این اصل دولت چون پدری مشفق باید در راستای تحقق خیر و سعادت افراد جامعه در برخی از رفتارها دخالت کرده و مانع آن رفتار شده یا انجام آن را الزامی نماید. بر مبنای اصل مذکور، همان‌طور که پدر مواظب فرزند خود است و به خاطر ضعف‌های جسمی و روانی و نیز وضعیت آسیب‌پذیری که فرزندش دارد؛ مکلف است از وی نگهداری و مراقبت کند و او را از انتخاب امر ناصحیح باز دارد، حکومت نیز مسئول حفظ سلامت شهروندان بوده و وظیفه مراقبت و محافظت از آن‌ها را بر عهده دارد، لذا باید آن‌ها را نه تنها در برابر دیگران بلکه در برابر خودشان نیز مورد حمایت قرار دهد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ۱۶۱-۱۶۲). الزام افراد به یادگیری، حفظ سلامت و بهداشت عمومی، الزام به انجام کار و کسب درآمد و نیز الزام به انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع جرایم مهم و خطرناک از جمله گزارش دادن تأمین مالی تروریسم مطابق اصل مذکور قابل توجیه و تعیین ضمانت‌اجرای کیفری است.

۵-۱-۱- اصل کمال گرایی^۹

بر اساس اصل مذکور، شهروندان به داشتن یک زندگی ارزشمند علاقه مند هستند و موجودیت دولت برای کمک به اشخاص جهت تعقیب علایق شان و بهره‌مندی از زندگی فضیلت‌مندانه است. لذا همان گونه که حکومت در خصوص مسائلی چون نظم، امنیت، بهداشت و برقراری عدالت، مردمانش را یاری می‌کند؛ برای تحقق زندگی مطلوب نیز باید یاریگر آنها باشد (برهانی و محمدی فرد، ۱۳۹۵، ۱۹۱). بنابراین دولت حق دارد افراد را به انجام اعمالی که موجب خیر و صلاح و فضیلت‌شان می‌شود، اجبار کند. جلوگیری از وقوع پدیده‌های ناپسند از جمله اعمال مجرمانه تروریستی در جامعه، می‌تواند از طریق گزارش دادن حامیان و تأمین کنندگان مالی آنها باشد که بر مبنای اصل مذکور قابل توجیه است و جامعه را به کمال و فضیلت می‌رساند.

۱-۲- توجیه جرم‌انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم بر مبنای مدل پالایش

علاوه بر اصول و مبانی پیش‌گفته، جرم‌انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم بر مبنای مدل جرم‌انگاری پالایش که توسط «جانانان شنشک»^{۱۰} در قالب گذر آن از سه فیلتر مطرح شده است؛ نیز قابل توجیه است (Schonscheck, 1994, 64-70).

نخست: فیلتر اصول است. یعنی این که جرم‌انگاری باید بر پایه اصول باشد. ضرورت جرم‌انگاری خودداری از گزارش تأمین مالی تروریسم، بر مبنای اصول ضرورت، ضرر، پدرسالاری قانونی، اخلاق‌گرایی قانونی و کمال‌گرایی مورد بحث قرار گرفت و از این نظر قابل توجیه می‌باشد. دوم: فیلتر پیش‌فرض‌ها است؛ به این معنا که جرم‌انگاری باید آخرین راه‌چاره باشد. به عبارتی، باید دید آیا استفاده از نظام‌های کنترل‌کننده غیرکیفری مؤثر است یا خیر؟ و تنها در صورت احراز عدم تأثیر آنها، اقدام به جرم‌انگاری گردد. به جهت اهمیت بالایی که حفظ امنیت و جان افراد و نظم اجتماعی و بین‌المللی در جهان دارد؛ این امر، مبارزه با جرایم تروریستی و جلوگیری فوری و سریع از وقوع آنها را ایجاب می‌نماید که مستلزم مداخله کیفری است. سوم: فیلتر کارکردها است. به این معنا که منافع جرم‌انگاری در خصوص یک رفتار، باید از مضرات آن بیشتر باشد (جانی پور و معروفی، ۱۳۹۲، ۱۵۴).

پیامدهای مطلوب جرم‌انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم که موجب قطع این شریان حیاتی

9- The Principle of Perfectionism

10- Jonathan Schonscheck

جهت کمک به اقدامات و جرایم تروریستی می‌گردد، موجب عدم تحقق آن‌ها و بالطبع موجب حفظ امنیت کشور و بین‌الملل گردیده و افراد را در دستیابی به یک زندگی مطلوب و ارزشمند یاری می‌رساند.

۲- ارکان بزه عدم گزارش تأمین مالی تروریسم

با توجه به توجیه جرم‌انگاری بزه عدم گزارش تأمین مالی تروریسم، در این قسمت به نقد و بررسی ارکان تشکیل‌دهنده بزه مذکور پرداخته می‌شود.

۲-۱- رکن قانونی بزه عدم گزارش تأمین مالی تروریسم

قانونگذار ایران در جهت مبارزه با بی‌تفاوتی نسبت به تأمین مالی تروریسم، تنها یکی از مصادیق بی‌تفاوتی یعنی خودداری از گزارش‌دهی را مورد توجه قرار داده و نسبت به آن جرم‌انگاری نموده است. در این راستا، قانونگذار در مواد «۳»^{۱۱} و «۱۴»^{۱۲} قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، خودداری از گزارش‌دهی، تهیه و جمع‌آوری وجوه و اموال برای تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی و یا خودداری از گزارش‌دهی عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را جرم دانسته و افراد بی‌تفاوت را مستحق تعقیب و مجازات دانسته است. البته در ماده ۳ قانون مذکور برای تعیین مجازات مرتکبین جرم، آنان را مستحق مجازات تعزیری درجه هفت دانسته است که از این نظر لازم است به ماده «۱۹»^{۱۳} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مراجعه نمود. ضمن این که در ماده ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷ هم چنانچه افراد مشمول قانون مبارزه با پول‌شویی از گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم به شورای عالی مبارزه با پول‌شویی خودداری نمایند آنان را مستحق مجازات معاون جرم تلقی نموده است که جهت تعیین مجازات لازم است به مواد مربوط به معاونت در جرم و مجازات آن استناد نمود.

۱۱- ماده ۳: کلیه اشخاص مطلع از جرائم موضوع این قانون موظفند مراتب را در اسرع وقت به مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضایی ذیصلاح اعلام کنند، در غیر این صورت، به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شوند.

۱۲- ماده ۱۴: کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پول‌شویی موظفند گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را به شورای عالی مبارزه با پول‌شویی موضوع ماده ۴ قانون مذکور ارسال کنند. شورای یاد شده موظف است گزارش‌های عملیات مشکوک موضوع این قانون را جهت سیر مراحل قانونی به مراجع ذیربط ارسال کند. «

۱۳- مجازات درجه هفت در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی با توجه به تصویب نامه هیات وزیران در خصوص تعدیل میزان بالغ مجازات نقدی جرایم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ عبارت است از: حبس از نود و یک روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از سی میلیون ریال تا شصت میلیون ریال، شلاق از یازده تا سی ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.

با توجه به عدم تعیین مجازات دقیق برای افراد بی تفاوت در قبال وقوع جرائم مربوط به تأمین مالی تروریسم و اعلام این که به مجازات درجه هفت محکوم می گردند و همچنین معاون جرم تلقی نمودن افراد بی تفاوت خودداری کننده از گزارش که به منظور تعیین مجازات الزاماً باید به مواد مربوط به معاونت در جرم نیز استناد نمود، دلالت بر آن دارد که رکن قانونی بزه های مذکور مرکب بوده و قاضی رسیدگی کننده جهت تعیین مجازات ناگزیر به استناد به قوانین مختلف و مواد مربوطه در رأی خود است.

در حقوق سایر کشورها نیز موارد مشابهی از جرم انگاری بی تفاوتی افراد اعم از شهروندان عادی و یا افراد با سمت خاص^{۱۴} در گزارش دهی و جرائم تروریستی یا اعمال مرتبط با آن (از جمله تأمین مالی تروریسم) دیده می شود. چنانچه در ماده ۱۹ قانون^{۱۵} مبارزه با تروریسم انگلستان مصوب ۲۰۰۰ آمده است که هر شخص که اعتقاد دارد یا مظنون است که دیگری مرتکب جرم تروریستی یا عمل مرتبطی با آن شده است و آن را به پلیس گزارش ندهد، مجرم بوده و مجازات می گردد (کار و جانسن، ۱۳۹۶، ۵۴). این ماده، افراد بی تفاوت در گزارش دهی تأمین مالی تروریسم به پلیس را مجرم دانسته و مرتکب را به حبس از شش ماه تا بیش از پنج سال یا جریمه نقدی یا هر دو محکوم می کند. در قانون جزای فرانسه هم عدم گزارش جرایم تروریستی و سایر جرایم مرتبط با آن از جمله تأمین منابع مالی آن ها در ماده ۴۳۴ جرم انگاری گردید و برای آن مجازات مقرر گردیده است (نجفی توانا و فدایی، ۱۳۸۷، ۱۷۷-۱۷۵). در قانون میهن پرستی آمریکا موسوم به پاتریوت هم مقررات جامع و مفصلی به پشتیبانی مالی از تروریسم و مجازات عدم گزارش آن ها در مواد مربوطه اختصاص یافته است (نادری، ۱۳۹۹، ۸۳).

با توجه به قوانین سایر کشورها و مطابق اصول و قواعد قانون نویسی از جمله سهولت در دسترسی به آن، به نظر می رسد اقدام کشورهای مذکور که مبادرت به تعیین حکم و مجازات عدم گزارش دهی در یک ماده واحد نموده اند، صائب بوده و از این حیث، بر قانون ایران، ایراد وارد است.

۲-۲- رکن مادی بزه عدم گزارش تأمین مالی تروریسم

رفتار خارجی که تجلی قصد مجرمانه و یا تقصیر جزایی است، عنصر مادی جرم را تشکیل می دهد

۱۴- جرم انگاری بی تفاوتی شهروندان ناشی از اصل تعهد آنان در قبال جامعه و جرم انگاری بی تفاوتی افراد با سمت خاص ناشی از تعهد آنان در قبال سازمان متبوع خویش است که همان گونه که در مبانی اشاره گردید بر پایه اصل ضرورت، اصل ضرر، اصل اخلاق گرایی قانونی، اصل پدر سالاری قانونی، اصل کمال گرایی و اصل مصلحت عمومی توجیه می شوند.

(اردبیلی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۲۰۸). به عبارت دیگر، رکن مادی، تظاهر خارجی فعل و انفعال ذهنی مرتکب است (آزمایش، ۱۳۷۸، ۱۰۰). بنابراین، افکار و اندیشه‌های صرف از تعریف بزه خارج‌اند و حقوق کیفری باید بر رفتار ارتكابی حاکمیت کند نه بر افکار (لوترمی و کلب، ۱۳۹۵، ۵۷). برای بررسی رکن مادی بزه مذکور، لازم است اجزای تشکیل‌دهنده آن شامل رفتار مجرمانه، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم و نتیجه آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱-۲-۲- رفتار مجرمانه

رکن مادی لازم برای تحقق جرم ممکن است مظهر خارجی مثبت یا منفی یک اراده باشد که در اکثر موارد به صورت فعل مثبت صورت می‌گیرد. در موارد نادر، عنصر مادی جرم با عمل منفی یا ترک فعل محقق می‌گردد و آن عبارتند از؛ انجام ندادن چیزی است که قانون در تأمین نفع عمومی، دستور انجام آن را داده است که از جمله آن‌ها؛ خودداری از کمک به اشخاص در معرض خطر یا اعلام نکردن چیزی می‌باشد (استفانی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۱، ۳۱۰). با ملاحظه مواد ۳ و ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷ مشاهده می‌گردد که در مواد مذکور، تکلیف به گزارش‌دهی و اعلام مراتب، مورد امر قانونگذار قرار گرفته است. بنابراین، خودداری از انجام تکلیف مقرر قانونی یا ترک فعل، تشکیل دهنده نوع رفتار مجرمانه موضوع این مواد است. به این نحو که فرد مشمول قانون با وجود تکلیف قانونی در اعلام مراتب به مقامات ذیصلاح، از انجام آن خودداری می‌ورزد. به عبارت دیگر، این جرم با ترک وظیفه‌ای که قانونگذار بر افراد تحمیل کرده است با ترک فعل محقق می‌شود.

۲-۲-۲- شرایط و اوضاع و احوال تشکیل دهنده جرم

در خصوص شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم موضوع مواد ۳ و ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، خصوصیت مرتکب جرم، زمان اعلام و گزارش‌دهی و نیز مقامات ذیصلاح دریافت‌کننده گزارش در این قسمت به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲-۲-۲- خصوصیت مرتکب جرم

برخلاف سایر موارد قانونی، تکلیف به گزارش‌دهی و اعلام مراتب جرم که در آن‌ها قانونگذار تنها افراد خاص و محدودی را مخاطب قرار داده است^{۱۶}، در ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب

۱۶- برای نمونه ر. ک؛ ماده ۷۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، ماده

۱۳۹۷، مخاطب قانونگذار همه شهروندان است. بر اساس این ماده، اگر کسی از جرائم موضوع این قانون^{۱۷} مطلع شد و آن جرائم را در اسرع وقت به مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضایی ذیصلاح اطلاع ندهد، خودش مجرم بوده و به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. باید توجه داشت که تکلیف قانونی مذکور محدود به کسانی نیست که وقوع جرم را دیده باشند، بلکه این تکلیف متوجه تمام کسانی است که از وقوع آن اطلاع یافته باشند (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ۶۰).

این ماده از این جهت که عموم مردم را مکلف به گزارش‌دهی نموده است، در تاریخ قانونگذاری ایران بی‌سابقه بوده و مبین رویکردی نوین است. البته به نظر برخی حقوقدانان، علی‌الاصول، کشف جرم وظیفه ضابطین و دستگاه قضایی است و نه مردم و صرف سکوت در مورد جرمی که دیگری انجام داده یا می‌خواهد انجام دهد را نمی‌توان جرم محسوب کرد (Robinson, 1984, 104). البته بر این نظریه ایراد وارد است؛ زیرا جرائم مذکور، نظم عمومی جامعه و حتی نظم بین‌المللی را هدف قرار گرفته‌اند و قطعاً با اخلال در نظم عمومی و بی‌ثباتی، به کل جامعه و عموم ضرر می‌رساند. بنابراین، افراد نباید نسبت به این امر بی‌تفاوت باشند و به سهولت از کنار آن بگذرند، بلکه در صورت آگاهی از وقوع جرم، حداقل کاری که می‌توانند انجام دهند آن است که مقامات ذیصلاح را از موضوع مطلع سازند. از این رو، قانونگذار به درستی اقدام به جرم‌انگاری خودداری از گزارش‌دهی تأمین مالی تروریسم نموده است. به عبارت دیگر، با توجه به وجهه فراملی بزه تأمین مالی تروریسم به تبع تروریسم بین‌المللی و خطرات بسیار آن، هیچ منطقه‌ای از جهان نمی‌تواند و نباید در قبال تهدیدهای ناشی از این پدیده بی‌تفاوت باشد (شمس‌ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴، ۲۵۹). لذا با توجه به ریشه بین‌المللی وضع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم^{۱۸}، قانونگذار با توجه به تحولات حقوق کیفری دنیا پیرامون بزه مذکور، تکلیف اعلام جرم و گزارش‌دهی را شامل همه آحاد مردم نموده است.

با این وجود، قانونگذار در ماده ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، با تغییر رویکرد

۱۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰، تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹.

۱۷- منظور از «جرائم موضوع این قانون»، اعمال مجرمانه تشکیل‌دهنده تأمین مالی تروریسم است، نه اعمال تروریستی مذکور در آن قانون.

۱۸- قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۱ و کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹، کلیه کشورها را مکلف به جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم نموده است (طیبی فرد، ۱۳۸۴، ۲۶۳).

خود تنها افراد خاصی را مکلف به گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم به شورای عالی مبارزه با پول‌شویی نموده است و با ذکر عبارت؛ «کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پول‌شویی و...» در صدر ماده، دامنه شمول آن را محدود نموده است. لازم به ذکر است که مطابق ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶، تنها اشخاص، نهادها و دستگاه‌های موضوع مواد ۵ و ۶ بر حسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به گزارش معاملات و عملیات مشکوک به مرجع ذیصلاح گردیده‌اند که شامل کلیه اشخاص حقوقی از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداری‌ها می‌گردد. همچنین دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حسابرسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی نیز مکلف گردیدند تا اطلاعات مورد نیاز را حسب درخواست شورای عالی مبارزه با پول‌شویی ارائه نمایند.

۲-۲-۲- زمان گزارش‌دهی

در ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، قانونگذار در مقام بیان زمان گزارش‌دهی و اعلام مراتب به مقامات ذیصلاح، عبارت کلی «در اسرع وقت» را به کار برده است؛ در حالی که معلوم نیست اصطلاح در «اسرع وقت» از نظر زمانی چقدر است؟ یک ماه؟ یک هفته؟ یک روز؟ و یا یک ساعت؟ به عبارتی دیگر، پس از گذشت چه مدت زمانی، می‌توان سکوت اشخاص و عدم گزارش‌دهی تأمین مالی تروریسم به مقامات ذیصلاح را جرم تلقی نمود؟ به نظر می‌رسد تشخیص اینکه گزارش‌دهی جرم در اسرع وقت صورت گرفته است یا خیر، بر عهده دادگاه رسیدگی کننده به اتهام قرار دارد که در هر مورد با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم و فرد مرتکب و متهم به بی‌تفاوتی، با در نظر گرفتن معیار عرف و انسان متعارف مبادرت به اظهار نظر می‌نماید. البته راهکارهای دیگری در قوانین کیفری سایر کشورها پیش‌بینی شده است. به گونه‌ای که در ایالات متحده آمریکا خصوصاً ایالات پنسیلوانیا و ماساچوست، برای حل مشکل مربوط به زمان گزارش‌دهی، مدت آن را ظرف مهلت بیست و چهار ساعت از زمان اطلاع و آگاهی از وقوع جرم مقرر نموده‌اند (Hoffman, 1984, 843). راهکار اتخاذ شده در آمریکا، می‌تواند مورد لحاظ و توجه قانونگذار ایران قرار گیرد و قانونگذار صراحتاً محدوده زمانی خاصی را جهت گزارش‌دهی جرم تعیین نماید. لازم به ذکر است قانونگذار ایران در ماده ۱۴ قانون مذکور، هیچ گونه مهلت یا قیدی را برای گزارش‌دهی معاملات مشکوک تعیین ننموده است، در حالی که لازم بود با

توجه به اهمیت بزه تأمین مالی تروریسم و خطرات ناشی از آن برای کشور و جامعه بین‌المللی و نیز جلوگیری از تفسیرهای متفاوت و سلیقه‌ای قضات، اقدام فوری به گزارش‌دهی حداکثر ظرف مهلت بیست و چهار ساعت از تاریخ آگاهی را مقرر می‌نمود.

۳-۲-۲- مقامات ذیصلاح دریافت‌کننده گزارش

در ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، قانونگذار مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضایی را به عنوان افراد ذیصلاح جهت دریافت گزارش نام برده است. به نظر برخی از نویسندگان، قانون مذکور در این خصوص مبهم می‌باشد و معلوم نیست که مقامات ذیصلاح اداری، انتظامی، امنیتی و قضایی چه کسانی هستند؟ و آیا باید به همه آنها اطلاع داده شود یا اطلاع‌رسانی به یکی از آنها نیز کفایت می‌کند؟ چگونه باید مقام ذیصلاح را از مقام غیرذیصلاح تشخیص داد؟ آیا از عموم مردم می‌توان انتظار داشت که مقامات ذیصلاح را بشناسند و ترتیبات اطلاع‌رسانی را نیز بدانند؟ اگر شخص آگاهی یابد که کسی قصد تأمین مالی تروریسم را دارد و این امر را اطلاع بدهد، آیا باید مدارک و اسنادی هم ارائه کند یا خیر؟ اگر مشخص شد که این اسناد و مدارک نادرست و غیرقابل اتکاء بوده است، آیا از اطلاع‌دهنده حمایت قانونی خواهد شد یا خیر؟ پاسخ به این موارد مشخص نشده است (قنبری، ۱۳۹۵، ۴).

به نظر می‌رسد در خصوص «مقامات ذیصلاح» منظور از مقامات انتظامی و قضایی؛ اعم از مأمورین کلاتری و مقامات دادسرا که برای عموم مردم شناخته شده است و به طور معمول نیز افراد عادی در صورت بزه‌دیده شدن به آنها مراجعه و اقدام به اعلام جرم و یا طرح شکایت می‌نمایند، می‌باشد. مقامات اداری نیز شامل؛ افراد مسئول در اداره محل وقوع جرم بوده و مقامات امنیتی نیز شامل؛ پلیس امنیت، وزارت اطلاعات و مأمورین مربوطه می‌گردد که دارای جا، مکان و تشکیلات مشخص بدین منظور می‌باشند، است. به نظر می‌رسد به منظور سهولت در گزارش‌دهی لازم بود تا قانونگذار با وضع ماده‌ای اداره، سازمان یا نهاد یا تشکیلات خاصی را برای اعلام جرم و گزارش‌دهی وقوع جرائم مهم از جمله تأمین مالی تروریسم ایجاد می‌نمود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد صرف اعلام به هر یک از آنها، به منزله انجام تکلیف مقرر قانونی تلقی می‌گردد و لازم نیست فرد مطلع به تمامی مقامات مذکور مراجعه نماید. البته قانونگذار در ماده ۱۴ قانون مذکور، صراحتاً مقام ذیصلاح دریافت‌کننده گزارش را تعیین و شورای عالی مبارزه با پول‌شویی را مسئول آن اعلام نموده است. نکته دیگر این‌که، به نظر می‌رسد همین قدر که گزارش دهنده، وقوع جرم را گزارش دهد، کفایت می‌کند و لازم نیست مرتکب جرم را نیز معرفی نماید؛ زیرا قانونگذار تکلیف به اعلام وقوع

جرم نموده است و نه معرفی مرتکب جرم (شکری و سیروس، ۱۳۹۰، ۵۹۴).

اگرچه در قوانین کیفری اغلب کشورها، عدم اعلام هویت متهم به مقامات قضایی و اداری ذیصلاح را هم ردیف کمک به متهم جهت فرار از مجازات می‌دانند (کوشا، ۱۳۸۹، ۲۴). ولی با توجه به عدم جرم‌انگاری چنین تکلیفی برای شهروندان در قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، نمی‌توان خودداری از اعلام هویت متهم یا متهمان به مقامات مذکور را جرم قابل تعقیب و مجازات دانست. هرچند به نظر می‌رسد در این خصوص خلاء قانونی وجود دارد و لازم است قانونگذار ضمن جرم‌انگاری چنین امری، راهکارهای حمایتی از فرد گزارش‌دهنده را نیز در قانون پیش‌بینی نماید.

۳-۲-۲- نتیجه جرم

قانونگذار در حوزه جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی با توجه به خطرناکی آن‌ها برای امنیت کشور، منتظر حصول نتیجه مجرمانه نمانده و عمده جرائم را در این حوزه به صورت جرائم مطلق، جرم‌انگاری نموده است (پوربافرانی، ۱۳۹۵، ۱۷). بنابراین، بزه بی‌تفاوتی در اعلام جرم و گزارش‌دهی نسبت به تأمین مالی تروریسم، جزء جرائم مطلق بوده که به صرف علم و آگاهی فرد از وقوع جرائم مذکور و عدم اطلاع آن به مقامات ذیصلاح، واقع می‌گردد و از این حیث، نتیجه جرم در تحقق بزه مذکور تأثیری ندارد.

۳-۲-۳- رکن روانی بزه عدم گزارش تأمین مالی تروریسم

اجزای رکن روانی جرم در ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷ با ماده ۱۴ آن قانون اندکی متفاوت است. به گونه‌ای که در ماده ۳ قانون فوق، علم و آگاهی فرد از صرف وجوه و اموال جهت انجام اعمال تروریستی یا علم وی به این که وجوه یاد شده صرف چنین اهدافی خواهد شد (طیبی‌فرد، ۱۳۸۴، ۲۸۶) و فرد نسبت به وقوع جرائم مربوط به تأمین مالی تروریسم آگاهی یافته و با عمد و اراده آزاد از اعلام آن به مقامات ذیصلاح خودداری کند چنین فعل و انفعال ذهنی را می‌توان از اجزای رکن روانی جرم مذکور نام برد که در زمره جرایم عمدی قرار می‌گیرد، ولی در ماده ۱۴ آن قانون، رکن روانی جرم می‌تواند عمدی یا غیرعمدی باشد.

چنانچه مطابق تبصره یک^{۱۹} ماده ۱۴، اشخاص مشمول قانون مبارزه با پول‌شویی می‌توانند از روی

۱۹- تبصره ۱: چنانچه هر یک از اشخاص مذکور از روی آگاهی و عمد یا برای کمک و تسهیل ارتکاب جرم، وظایف مذکور را انجام ندهد، معاون جرم محسوب می‌شود و در صورتی که انجام این اعمال به دلیل اهمال و سهل‌انگاری باشد، مرتکب حسب مورد به مجازات‌های مقرر اداری و انضباطی محکوم می‌شود.

عمد و آگاهی یا برای کمک و تسهیل ارتکاب جرم از وظیفه گزارش‌دهی خودداری ورزند و یا به دلیل سهل انگاری و اهمال شان موجب عدم گزارش‌دهی شوند که حسب مورد موجب تفاوت در رکن روانی جرم می‌گردد. اگر اشخاص مشمول قانون مبارزه با پول‌شویی از روی آگاهی و عمد از انجام تکلیف گزارش‌دهی عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم خودداری ورزند؛ جزء جرایم عمدی بوده و نیازمند علم و آگاهی مرتکب از عملیات مالی مربوط به تأمین مالی تروریسم و خواست ارادی در عدم اعلام آن به مقامات ذیصلاح به عنوان قصد مجرمانه می‌باشد.

چنان‌چه این رفتار [خودداری از گزارش‌دهی] تعمداً برای کمک و تسهیل مرتکب جرم تأمین مالی تروریسم صورت گیرد، شخص مذکور به عنوان معاون مجرم اصلی محسوب می‌شود که در این صورت خود شخص به عنوان یکی از مداخله‌کنندگان در وقوع جرم اصلی نقش دارد و لذا از موضوع بحث بی‌تفاوتی کیفی در قبال وقوع بزه تأمین مالی تروریسم خارج است. اگرچه در این خصوص نیاز به اجزای رکن روانی جرم عمدی از جمله؛ علم و آگاهی از انجام عملیات مالی مربوط به تأمین مالی تروریسم، قصد مجرمانه برای کمک و تسهیل وقوع جرم و تطابق قصد لازم برای تحقق معاونت وجود دارد. از طرف دیگر، چنان‌چه عدم گزارش‌دهی عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم به دلیل اهمال و سهل انگاری باشد، در این صورت جزء جرائم غیرعمدی بوده که بی‌مبالاتی، اهمال و سهل انگاری به عنوان تقصیر و خطای جزایی تشکیل‌دهنده رکن روانی آن محسوب می‌گردد (ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که البته این امر خارج از مبحث عدم گزارش‌دهی جرم به عنوان مصدافی از بی‌تفاوتی مجرمانه قرار می‌گیرد که جزء جرایم عمدی است.

۳- مجازات عدم گزارش تأمین مالی تروریسم

قانونگذار در ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، مجازات افراد بی‌تفاوت نسبت به اعلام جرائم مربوط به تروریسم را مجازات تعزیری درجه هفت مقرر داشته است. بنابراین، مقام قضایی رسیدگی‌کننده برای مجازات نمودن فرد بی‌تفاوت، ناگزیر به مراجعه به قانون دیگر گردید. در حالی که منطبق آن است که مجازات هر جرم در همان قانون معین شود و به قوانین دیگر احاله داده نشود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد مجازات مقرر برای افراد بی‌تفاوت به علت کم بودن میزان، مناسب نبوده و نمی‌تواند افراد جامعه را وادار به انجام وظیفه گزارش‌دهی نماید. از این رو، به نظر می‌رسد قانونگذار باید با شدت عمل بیشتری برخورد کند؛ زیرا شدت و قطعیت مجازات‌ها از نظر صاحب نظرانی چون بکاریا، بنتام و

منتسکیو به عنوان یکی از راهکارهای مناسب در برخورد با جرائم، مورد توجه قرار گرفته و در قبال چنین جرائمی مؤثر است (Pogarsky, 2002, 435). البته به کار گرفتن چنین سیاستی توسط قانونگذار به معنای پذیرش تشدید مجازات بدون هیچ حدّ و مرزی نیست، بلکه در جهت اصلاح و درمان بزهکار و در پرتو اندیشه‌های فایده‌گرایانه است. بنابراین، اصل تناسب جرم و مجازات همواره باید لحاظ گردد. چنانچه تشدید در نوع کیفر، میزان آن و نیز کیفیات تشدیدکننده مجازات مورد توجه قانونگذار قرار گیرد، می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده فردی و اجتماعی در مقابله با جرائم به کار گرفته شود (Mendes, 2004, V. 32, 41).

در ادامه، قانونگذار در تبصره یک ماده ۱۴ قانون مذکور در مقام بیان مجازات افرادی که به طور آگاهانه و عمدی به ارسال گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم اقدام نمایند یا این وظیفه را برای کمک و تسهیل ارتکاب جرم انجام ندهند، مقرر داشته که به مجازات «معاون جرم» محکوم می‌شوند. به نظر می‌رسد با توجه به تعیین مجازات‌های مختلف برای تأمین مالی تروریسم در ماده «۲»^{۲۰} آن قانون، مجازات معاونت در جرم نیز حسب مورد متفاوت خواهد بود. چنانچه مرتکب تأمین مالی تروریسم به محاربه و افساد فی الارض محکوم شود، مجازات معاونت در آن و به تبع آن مجازات شخص بی تفاوت در گزارش‌دهی مطابق بند (الف)^{۲۱} ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین می‌گردد که حبس تعزیری درجه دو یا درجه سه می‌باشد و چنانچه مرتکب تأمین مالی تروریسم به محاربه یا افساد فی الارض محکوم نشود، مجازات مقرر برای مرتکب اصلی دو سال تا پنج سال حبس تعزیری به انضمام جزای نقدی و مصادره اموال می‌باشد و مجازات معاونت در جرم هم به استناد بند (ت) ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی، یک یا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم اصلی می‌باشد. البته به جای مصادره اموال، معاون جرم مطابق تبصره یک ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی، به جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌گردد.

در ماده مذکور نیز اگرچه از نظر میزان مجازات مقرر برای اشخاص بی تفاوتی که از روی اراده و آگاهی از وظیفه قانونی خود برای گزارش‌دهی خودداری می‌ورزند به نظر متناسب می‌باشد، ولی ایرادات

۲۰- ماده ۲: تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات ان محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال موضوع ماده (۱) این قانون به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود.

۲۱- ماده ۱۲۷: در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است: الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه.

دیگر از جمله معاون جرم تلقی نمودن خودداری کننده از گزارش دهی جرم به جهت فقدان شرط تقدّم یا اقتران زمانی میان عمل معاون با عمل مرتکب اصلی جرم، فقدان وحدت قصد، وابستگی شدت و ضعف مجازات فرد بی تفاوت به مجازات مقرر برای مرتکب اصلی و نیز ضرورت استناد و ارجاع به قوانین و مقررات مربوط به معاونت در جرم و مجازات آن، به قوت خود باقی می ماند و این امر نیازمند اصلاح است؛ زیرا مطابق اصول و قواعد قانون نویسی از جمله؛ صریح و روشن بودن حکم و مجازات و سهولت دسترسی افراد به قانون ایجاب می نماید که مجازات هر جرمی به طور مشخص و دقیق در همان قانون بیان گردد و به قوانین دیگر احاله داده نشود و چنین امری آن هم در امور جزایی که باید از حداکثر صراحت و روشنی برخوردار باشد، پسندیده نیست (قنبری، ۱۳۹۵، ۵).

لازم به ذکر است قانونگذار با توجه به اهمیت این جرم حتی رفتار غیر عمدی عدم گزارش دهی عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم که ناشی از سهل انگاری و اهمال است را نیز جرم دانسته و مرتکب آن را مستحق مجازات درجه هفت می داند. به علاوه، چنان چه مرتکب از اشخاص حقوقی باشد؛ مجازات وی مطابق ماده «۲۰»^{۲۲} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین می گردد.

نتیجه

در روزگار نوین، تروریسم یکی از عوامل اصلی تهدید جامعه به شمار می رود که نه تنها امنیت داخلی، بلکه امنیت جهانی و بین المللی را نیز به مخاطره می اندازد. از این رو مبارزه با تروریسم و از بین بردن ریشه های تقویت آن ضروری است. در این راستا، از سوی کشورها و نهادهای بین المللی راهکارهای مختلف سیاسی، نظامی و حقوقی جهت مقابله با تروریسم و جلوگیری از آن طراحی و اجرا می شود که یکی از آنها مقابله با تأمین مالی تروریسم از طریق جرم انگاری آن می باشد. به اعتقاد جهانی تأمین مالی تروریسم به مثابه شریان حیاتی تروریسم بوده که وظیفه خون رسانی آن را به عهده دارد که قطع آن منتهی

۲۲- ماده ۲۰: در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف- انحلال شخص حقوقی. ب- مصادره کل اموال. پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال. ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال. ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال. ج- جزای نقدی. چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها.

به پیشگیری و جلوگیری از وقوع پدیده شوم تروریسم می‌گردد. با توجه به خصوصیت مخفی بودن تأمین مالی تروریسم در جهت مبارزه مطلوب و مؤثر با آن، توسل به کمک آحاد شهروندان و استفاده از اطلاعات آن‌ها ضروری می‌باشد. از این رو، قانونگذار ایران همگام با تحولات حقوق کیفری جهان و همانند نهادهای قانونگذاری سایر کشورها با تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم همه آحاد جامعه را مکلف به گزارش‌دهی آن نمود و افراد بی‌تفاوت را مستحق تعقیب، محاکمه و مجازات دانسته است.

لازم به ذکر است بی‌تفاوتی یکی از آسیب‌های اجتماعی بوده که در حال شیوع روزافزون می‌باشد و قانونگذار با جرم دانستن بی‌تفاوتی اجتماعی در قبال بزه تأمین مالی تروریسم سعی در مقابله با آن نموده است. بی‌تفاوتی کیفری به معنای خودداری عمدی از اقدام لازم قانونی که در نتیجه عدم توجه به برخی ارزش‌های اجتماعی نقض شده می‌باشد که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است و یکی از مصادیق عمده آن، عدم گزارش‌دهی یا اعلام جرم به مقامات ذیصلاح قانونی است. قانونگذار ایران در مواد ۳ و ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، آن را جرم‌انگاری نموده است. جرم‌انگاری صورت گرفته بر مبنای اصول ضرورت، ضرر، اخلاق‌گرایی قانونی، پدرسالاری، کمال‌گرایی و مصلحت عمومی توجیه گردید. از سوی دیگر جرم‌انگاری صورت گرفته با مدل جرم‌انگاری «جانانان شنشک» موسوم به مدل پالایش هم سازگار بوده است. از این نظر قانونگذار به درستی همگام با تحولات حقوق کیفری در دنیا، اقدام به جرم‌انگاری عدم گزارش‌دهی تأمین مالی تروریسم نموده است. البته این امر همراه ایرادات و کاستی‌هایی است که از جمله آن‌ها می‌توان به؛ عدم تعیین قسمت‌های ویژه و اختصاصی جهت دریافت گزارش‌های مربوط به تأمین مالی تروریسم، عدم تصویب ماده‌ای برای حمایت قانون از افراد نوع دوست و مسئولیت‌پذیر اجتماعی گزارش‌دهنده جرم و حفاظت از آن‌ها و خانواده‌شان، عدم تصویب قانونی در جهت تشویق شهروندان به گزارش‌دهی جرائم مهم و خطرناک، عدم تعیین مجازات ثابت و دقیق در قانون مذکور و احاله مجازات به قانون دیگر، معاون در جرم اصلی تلقی نمودن افراد بی‌تفاوت و وابسته نمودن مجازات او به مجازات مرتکب اصلی بزه تروریسم که موجب کاهش یا افزایش شدید مجازات فرد بی‌تفاوت می‌گردد، اشکالات مربوط به عدم رعایت احکام و قواعد معاونت در جرم، متناسب نبودن مجازات مقرر برای افراد بی‌تفاوت در ماده ۳ قانون مذکور که فاقد بازدارندگی و اهداف اصلاحی مجازات می‌باشد، نام برد.

قانونگذاری صورت گرفته با توجه ایرادات مذکور به نظر مطلوب و مطابق اصول قانون نویسی نبوده

است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد قانونگذار ایران ضمن اصلاح مجازات و تعیین مجازات متناسب و دقیق برای افراد بی تفاوت در مواد ۳ و ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷، با وضع مواد قانونی؛ اولاً، نهاد یا اداره ویژه‌ای جهت دریافت گزارش و اعلام جرم پیش بینی نماید تا مأمورین زبده و آموزش دیده اقدام به دریافت و بررسی گزارش‌های رسیده و بررسی صحت و سقم آن‌ها نمایند تا آحاد جامعه از این حیث دچار سردرگمی در گزارش دهی به مرجع قانونی نشوند و از سوی دیگر، گزارش‌های مغرضانه و ناصحیح از گزارش‌های صحیح تمیز گردند. ثانیاً، با وضع ماده‌ای، مصونیت جانی و مالی گزارش دهنده و خانواده‌ی ایشان از سوی دولت تأمین گردد تا فرد گزارش دهنده بدون دغدغه اقدام به انجام این تکلیف قانونی نماید. ثالثاً، مشوق‌هایی در جهت ترغیب آحاد مردم به مشارکت در امر گزارش دهی عملیات مالی مشکوک و مربوط به تأمین مالی تروریسم در نظر گرفته شود. رابعاً، آموزش همگانی از طریق شبکه‌های اجتماعی، صداوسیما و... برای آحاد جامعه جهت اطلاع یافتن از وظیفه گزارش دهی جرائم مهم از جمله تأمین مالی تروریسم و نیز خطرات آن برای کشور و جهان را مدنظر قرار دهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ادیب، مجید، ۱۳۹۳، **جرایم علیه اشخاص «ترجمه بخش جرایم علیه اشخاص از قانون جزای فرانسه»**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۵، **حقوق جزای عمومی**، جلد یکم، چاپ چهل و هفتم، تهران، انتشارات میزان.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنار، ۱۳۸۳، **حقوق جزای عمومی**، ترجمه دکتر حسن دادبان، جلد یکم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- آزمایش، علی، ۱۳۷۸، **تقریرات درس حقوق جزای عمومی**، مقطع کارشناسی ارشد، پلی کپی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- برهانی، محسن و محمدی فرد، بشری، ۱۳۹۵، کمال‌گرایی کیفری، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و

جرم‌شناسی دانشگاه تهران، شماره ۲.

- پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۵، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.

- جانی پور، کرم و معروفی، مختار، ۱۳۹۲، تحلیلی در لزوم جرم‌انگاری پولشویی (با نگاهی تطبیقی به مدل

جرم‌انگاری پالایش)، **آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۶.

- چاوشی، محمداصادق و کرامتی معز، هادی، ۱۳۹۷، چالش‌های و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم،

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۴۲.

- حیدری، مسعود، (۱۳۹۶)، **حمایت از اطفال در سیاست کیفری اسلام و ایران**، چاپ اول، تهران،

انتشارات میزان.

- خالقی، علی، ۱۳۹۶، **آیین دادرسی کیفری**، جلد یکم، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات شهر دانش.

- خوئینی، غفور؛ افراسیابی، صابر؛ مجتهدسلیمانی، ابوالحسن، ۱۳۹۸، مبانی قانونی و اخلاقی جرم‌انگاری در

حقوق کیفری ایران، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، شماره ۴.

- رضوانی جویباری، ناصر؛ حیدری، مسعود؛ یوسف زاده، علی، ۱۳۹۹؛ مقابله با بی‌تفاوتی اجتماعی در سیاست

کیفری ایران، **مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۱.

- سمیعی اصفهانی، علیرضا و بهرامی، سجاد، ۱۳۹۴، مبارزه با تأمین مالی تروریسم در پرتو اسناد بین‌المللی،

فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۲۲.

- شکری، رضا و سیروس، قادر، ۱۳۹۰، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، چاپ ششم،

تهران، انتشارات مهاجر.

- شمس ناتری، محمدابراهیم و اسلامی، داود، ۱۳۹۴، ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم، **مجله مطالعات**

حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره بیستم، شماره ۴۵.

- طیبی فرد، امیرحسین، ۱۳۸۴، مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی، **مجله حقوقی**، شماره ۲۱.

- قماشی، سعید، ۱۳۹۳، **کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌انگاری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- قنبری، حمید، ۱۳۹۵، **تحلیل محتوای قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم**،

www.eghtesadnews.com

- کار، کلودیا و جانسن، مورین، ۱۳۹۶، **سرآغازی بر حقوق کیفری انگلستان و ولز**، ترجمه امیر

اعتمادی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- کلارکسون، کریستوفر، ۱۳۹۱، **حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه**، ترجمه دکتر حسین میرمحمدصادقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
- کلارکسون، کریستوفر، ۱۳۹۵، **تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی**، ترجمه دکتر حسین میرمحمدصادقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
- کوشا، جعفر، ۱۳۸۹، **جرائم علیه عدالت قضایی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- لوترمی، لورانس و کلب، پاتریک، ۱۳۹۵، **بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه**، ترجمه محمود روح‌الامینی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- محمودی جانکی، فیروز، ۱۳۹۳، **جرم‌انگاری حق مدار با تأکید بر نظریه آلمانی مصالح حقوقی، پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۹.
- معظمی، شهلا، بطیاری، عاطفه، انصاری‌فر، محمدعلی، ۱۳۹۶، **معیارهای جرم‌انگاری، فصلنامه قضاوت**، شماره ۸۹.
- مقدسی، محمدباقر و یزدانی، جواد، ۱۳۹۷، **مداخله کیفری در حوزه خانواده از منظر مبانی جرم‌انگاری، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)**، شماره ۶۹.
- مهدی پور مقدم، علیرضا و شاملو، باقر، ۱۳۹۶، **تحلیل حقوقی اعلام جرم در تعقیب کیفری، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۲.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۷، **حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص**، چاپ بیست و پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- نادری، علیرضا، ۱۳۹۹، **قانون پاتریوت ایالات متحده آمریکا**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج حضور.
- نجفی توانا، علی و فدایی، حسن، ۱۳۸۷، **الزام افراد عادی به گزارش جرم در حقوق ایران و فرانسه، فقه و حقوق**، شماره ۱۹.
- نوابخش، مهرداد و میرزاپوری ولوکلا، جابر، ۱۳۹۴، **تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه؛ شهروندان بابل)**، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۳.
- یزدان جعفری، جعفر، ۱۳۹۳، **بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر، فصلنامه حقوق پزشکی**، شماره ۳۱.

لاتین

- Duff. R. A and Green. S. P, 2005, **Defining Crimes: Essays on the Special part of criminal law**, 1st Edition pob. Oxford University Press.
- Haffman, S. J, 1984, **Making Apathy Criminal**, Kentucky College of Law, Kentucky Law Journal.
- Mendes, S. M, 2004, **Certainty Severity and Relative Deterrent Effects, Questioning and Implication of Role of Risk in Criminal Deterrence Policy**, The Policy Study Journal, Vol. 32.
- Robinson, P. h, 1984, **Criminal Liability for Omission**, Newyork Law School, Review, Vol. 29.
- Pogarsky, G, 2002, **Identify Deterable Offenders, Implications For Research on Deterrence**, Justice Quarterly, Vol. 19.
- Schonsheck, Jonatan, 1994, **On Criminalization: An Essay in the Philosophy of Criminal law**, London: Kluwer Academic pub.

قوانین

- قانون مبارزه با پول شویی مصوب ۱۳۸۶
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴
- قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷